

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲۱۷۸



دانشگاه سیستان و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

نقد روانشناختی داستان‌های منیرو روانی پور

استاد راهنما:

دکتر ابوالقاسم رادفر

۱۳۸۸/۷/۱۶

استاد مشاور:

دکتر محمود حسن آبادی

کتابخانه مرکزی
تهیسه مرکز

تحقیق و نگارش:

نعمت الله کرم پور

(این پایان نامه از حمایت مالی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره‌مند شده است)

بهمن ۱۳۸۷

۱۲۱۸۶۵



بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان نقد روانشناختی داستان های منیرو روانی پور قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو نعمت الله کرم پور تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر ابوالقاسم رادفر تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

نعمت الله کرم پور

توسط هیئت داوران بررسی و

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ درجه عالی به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد راهنما:

دکتر محمود حسن آبادی

استاد مشاور:

دکتر محمد میر

داور ۱:

دکتر محمد امیر مشهدی

داور ۲:

نماینده تحصیلات تکمیلی: خانم دکتر گیتی موسی پور



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب (نعمت الله کرمپور) تأیید می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابقت مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: (نعمت الله کرمپور)

امضاء

سپاسگزاری

از اساتید بزرگوار:

دکتر ابوالقاسم رادفر
دکتر محمد امیر مشهدی
دکتر محمد میر

قبلا و قلبا متشکرم

چکیده:

داستان نویسی زنان در سالهای اخیر رشد کمی و کیفی چشمگیری داشته است. منیرو روانی پور از معروف ترین داستان نویسان زن معاصر ایران می باشد که شاید بتوان گفت بزرگترین رمان نویسی است که داستانهای خود را با موفقیت چشمگیری به سبک رئالیسم جادویی نوشته است که در ایران با استقبال خوبی چه از طرف خوانندگان و چه از طرف متخصصین مواجه شده است.

نقد روانشناختی یکی از مهمترین و دشوارترین نقدهای یک متن ادبی است که به فهمیدن و حل معماهای یک متن و پی بردن به زیباییهای آن، کمک زیادی می کند و ابزاری دقیق و کاملی است برای خواندن کلماتی باشد که در اثر نوشته نشده اما مد نظر نویسنده بود.

با وجود اینکه نقد روانشناختی تاثیر زیادی بر رشد کیفی ادبیات دارد، اما هنوز در ایران چندان شناخته نیست و کار چندانانی در این زمینه انجام نشده است. چون تا کنون متون ادبی بیشتر از جنبه های بلاغی مورد نقد و توجه قرار می گرفت .

نقد روانشناختی ، نقد روان نویسنده و یا شخصیت های داستان و یا معرفی و ارزش گذاری یک اثر نیست بلکه یافتن ارتباط ساختار روانی و روایی و فرهنگی یک اثر است و به همین دلیل جدا دانستن نویسنده از اثر ضروری است. قبلا ساختار روانی را بیشتر ارثی - جسمی می دانستند، اما در دوره های اخیر تاثیر عوامل فرهنگی و زبانی را در شکل گیری این ساختار بیشتر می دانند.

کلمات کلیدی: نقد - نقد روانشناختی - داستان - منیرو روانی پور - رئالیسم جادویی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۴.....	فصل اول : تاریخچه ی داستان نویسی
۵.....	۱-۱- پیشینه و اهمیت داستان در زندگی انسان
۶.....	۲-۱- مشروطه و تحولات فکری دوران جدید
۱۰.....	فصل دوم: داستان نویسی زنان
۱۱.....	۱-۲ جایگاه زن در ادبیات ایران
۱۶.....	۲-۲ مضامین و بن مایه های داستان های زنان
۱۷.....	۳-۲ زنان داستان نویس و انقلاب
۲۰.....	۴-۲ زنان داستان نویس در حال حاضر
۲۸.....	فصل سوم : انواع داستان و عناصر آن
۲۹.....	۱-۳-۱ انواع داستان
۲۹.....	۱-۳-۱-۱ ابر متن
۲۹.....	۱-۳-۲-۱ داستان
۲۹.....	۱-۳-۳-۱ داستان کوتاه
۳۰.....	۱-۳-۴-۱ داستا تک
۳۱.....	۱-۳-۴-۱-۱ انواع داستا تک
۳۱.....	۱-۳-۵-۱ رمان
۳۲.....	۱-۳-۶-۱ انواع رمان
۳۳.....	۱-۳-۶-۱-۱ انواع رمان از نظر ساخت
۳۳.....	۱-۳-۶-۱-۱-۱ رمان حوادث
۳۳.....	۱-۳-۶-۱-۲ رمان شخصیت

- ۳۳ ۳-۱-۶-۱-۳-۱-۳ رمان نامه ای
- ۳۴ ۴-۱-۶-۱-۳-۱-۳ رمان اندیشه
- ۳۴ ۲-۶-۱-۳-۱-۳ انواع رمان بر حسب موضوع
- ۳۵ ۳-۶-۱-۳-۱-۳ انواع رمان از نظر پلات
- ۳۷ ۲-۳-۲-۳ عناصر داستان
- ۳۷ ۱-۲-۳-۱-۲-۳ تجربه
- ۳۷ ۲-۲-۳-۲-۲-۳ جدال
- ۳۷ ۳-۲-۳-۳-۲-۳ حادثه
- ۳۸ ۴-۲-۳-۴-۲-۳ داستان
- ۳۸ ۵-۲-۳-۵-۲-۳ راوی داستان یا زاویه دید
- ۳۹ ۶-۲-۳-۶-۲-۳ هسته ی داستان
- ۳۹ ۷-۲-۳-۷-۲-۳ شخصیت یا قهرمان
- ۴۰ ۸-۲-۳-۸-۲-۳ زمینه
- ۴۱ ۹-۲-۳-۹-۲-۳ فضا و جو
- ۴۱ ۱۰-۲-۳-۱۰-۲-۳ لحن
- ۴۲ ۱۱-۲-۳-۱۱-۲-۳ الگو
- ۴۳ فصل چهارم: داستان های اقلیمی و رئالیسم جادویی
- ۴۴ ۱-۴-۱-۴ ادبیات اقلیمی و روستایی
- ۴۵ ۲-۴-۲-۴ ادبیات اقلیمی جنوب
- ۴۵ ۳-۴-۳-۴ ادبیات اقلیمی شمال
- ۴۶ ۲-۴-۲-۴ رئالیسم جادویی
- ۴۸ فصل پنجم: منیرو روانی پور و داستان نویسی
- ۴۹ ۱-۵-۱-۵ زندگی نامه

۵۱ ۲-۵ آثار منیرو روانی پور
۵۹ فصل ششم : نقد و انواع آن
۶۰ ۱-۶ تعاریف
۶۲ ۲-۶ تاریخچه نقد
۶۳ ۳-۶ نقد در ایران باستان
۶۳ ۴-۶ نقد در دوره اسلامی
۶۴ ۵-۶ ایران بین نوجویی و سنت گرایی
۶۴ ۶-۶ نقد امروز، شیوه های نو
۶۵ ۷-۶ پیشگامان نقد جدید در ادبیات ایران
۶۵ ۸-۶ در گذرگاه فکر و فلسفه
۶۶ ۹-۶ اهداف نقد ادبی
۶۶ ۱۰-۶ شرح و تفسیر
۶۷ ۱۱-۶ ارزیابی آثار ادبی
۶۷ ۱۲-۶ ارزیابی از راه مقایسه دو اثر
۶۷ ۱-۱۲-۶ توجیه و استدلال
۶۸ ۲-۱۲-۶ نسبی بودن نقد ادبی
۶۸ ۱۳-۶ ضرورت نقد ادبی
۶۹ ۱۴-۶ بدبینی نسبت به نقد ادبی
۶۹ ۱۵-۶ اهمیت و فایده ی نقد ادبی
۷۰ ۱۶-۶ حدود و امکان نقد ادبی
۷۱ ۱۷-۶ انواع نقد
۷۱ ۱-۱۷-۶ نقد لغوی
۷۳ ۲-۱۷-۶ نقد فنی
۷۴ ۳-۱۷-۶ نقد متون یا نقد متن شناختی

- ۷۵ ۶-۱۷-۴ نقد زبان شناختی
- ۷۵ ۶-۱۷-۵ نقد جامعه شناختی
- ۷۶ ۶-۱۷-۶ نقد اخلاقی
- ۷۷ ۶-۱۷-۷ نقد تطبیقی
- ۷۷ ۶-۱۷-۸ نقد تاریخی - زندگینامه ای
- ۷۹ ۶-۱۷-۹ نقد اسطوره ای یا اسطوره گرا
- ۸۰ ۶-۱۷-۱۰ نقد صورتگرایی
- ۸۱ ۶-۱۷-۱۱ نقد فمینیستی و ادبیات
- ۸۳ ۶-۱۷-۱۱-۱ تعریف فمینیسم
- ۸۴ ۶-۱۷-۱۱-۲ موج دوم
- ۸۶ ۶-۱۷-۱۱-۳ زنانه نویسی
- ۸۸ ۶-۱۷-۱۱-۴ نگارش همجنسگرایانه
- ۸۸ ۶-۱۷-۱۱-۵ پسا فمینیسم
- ۸۹ ۶-۱۷-۱۲ نقد روان شناختی
- ۹۲ ۶-۱۷-۱۲-۱ پیشینه نقد روانشناختی
- ۹۲ ۶-۱۷-۱۲-۲ فروید و نقد روان شناختی
- ۱۰۲ ۶-۱۷-۱۲-۳ هدف نقد روانشناسانه
- ۱۰۳ ۶-۱۷-۱۲-۴ کاربرد نقد روانشناسانه
- ۱۰۴ ۶-۱۷-۱۲-۵ امتیازات نقد روانشناسانه
- ۱۰۴ ۶-۱۷-۱۲-۶ محدودیتهای نقد روانشناسانه
- ۱۰۴ ۶-۱۷-۱۲-۷ اتهامات و سوء تعبیرهای موجود پیرامون رویکرد روان شناختی
- ۱۰۶ ۶-۱۸-۱ نقد آثار منیرو روانی پور
- ۱۰۶ ۶-۱۸-۱-۱ کنیزو
- ۱۱۴ ۶-۱۸-۲ اهل غرق
- ۱۲۲ ۶-۱۸-۳ دل فولاد

۱۲۴ سنگ های شیطان ۴-۱۸-۶

۱۲۳ سیریا ، سیریا ۵-۱۸-۶

۱۲۵ کولی کنار آتش ۶-۱۸-۶

۱۲۵ زن فرودگاه فرانکفورت ۷-۱۸-۶

۱۳۶ نازلی ۸-۱۸-۶

۱۳۹ منابع

داستان انعکاس دهنده و بیان کننده ی خوی ها و خصلت های متفاوت، مشکلات، تضاد ها، تنازع ها و مسائل گوناگون

است.

جمال میر صادقی می گوید:

"ما به خود خواهی ها خود و خود فریبی ها و دیگر ضعف های انسانی خودمان از طریق خواندن رمان بیشتر پی می بریم تا از طریق کسی که ما را نصیحت می کند. انگلس گفته است که آنچه از بالزاک یاد گرفته، از هیچ جامعه شناس یا اقتصاد دانی فرا نگرفته است."^۱

داستان نویسی زنان علاوه بر پیوندی که با عرصه ادب به طور کلی دارد نشانه بسیار مهمی نیز هست از تحول اجتماعی، فرهنگی و انسانی بسیار عمیقی که در صد سال گذشته در عرصه زندگی زنان در ایران در جریان است. تحولی همراه با تلاطماتی گاه خشن، گاه بالنده، گاه حقیر و گاه گشاینده.

زنان نویسنده، در طول چند دهه، توانسته اند موقعیت خود را در عرصه ادبیات ایران، به جایگاه تثبیت شده ای برسانند. در دهه چهل شمسی که دوران شکوفایی ادبیات ایران به شمار می رود، فقط ۲۵ نویسنده زن فعال بودند. در آن سال ها، به ازای هر زن، پنج نویسنده مرد داستان می نوشتند. حسن میرعابدینی، پژوهشگر ادبیات داستانی در ایران می گوید، در سال های اخیر زنان به طور چشمگیری پیشرفت کرده اند به طوری که اکنون به ازای دو نویسنده زن، سه نویسنده مرد، در حوزه ادبیات فعال هستند. در دهه های هفتاد و هشتاد، زنان زیادی پا به عرصه داستان نویسی ایران گذاشتند و تیراژ برخی از نوشته های آنها گاه به بیش از ۱۰۰ هزار نسخه رسیده است. اما این رشد تنها افزایش کمی آثار زنان نیست. فرزانه طاهری، از مسئولان برگزاری جایزه ادبی بنیاد گلشیری اعتقاد دارد که کیفیت برخی از داستان های زنان، باعث شده تا این پیشرفت، در جوایز مختلف ادبی هم دیده شود.

در طول یک دهه گذشته فهرست داستان های پر فروش ایرانی در سیطره نویسندگان زن بوده است. آ تعداد زنانی که

رمان منتشر کرده اند به ۳۷۰ رسیده است.

^۱ میر صادقی، جمال، عناصر داستان، انتشارات سخن، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۲۷

^۲ میرعابدینی، حسین صد سال داستان نویسی، تهران نشر چشمه، بهار ۱۳۸۳، جلد اول، ص ۶

کتاب های زنان در ایران تا کنون بیش از کتاب های مردان فروش کرده است و این شاید به دلیل زبان ساده یا به قول برخی منتقدان، زبان ساده نما (راوی اول شخص) باشد. در حالی که رمان های ایرانی به طور متوسط در تیراژ ۵۰۰۰ نسخه چاپ می شوند بعضی از کتاب های زنان به بیش از ۱۰۰ هزار نسخه نیز رسیده است.

نویسندگان زن نه تنها پیشتاز ادبیات فارسی شده اند بلکه دیدگاه جامعه در مورد زنان نویسنده را تغییر داده اند. زمانی دراز بود که زنان نویسنده با جامعه مشکل داشتند ولی امروز نویسنده بودن زنان دارای ارزش و منزلت است. آنها برای خوانندگانشان ستاره به حساب می آیند

سال ۱۳۴۸، سال انتشار رمان سووشون را آغاز داستان نویسی زنان و سیمین دانشور را مادر و اولین قلم به دست در این زمینه می دانند. پس از سیمین دانشور چند زن دیگر داستان نویس؛ گلی ترقی، مهشید امیرشاهی، غزاله علیزاده و میهن بهرامی قبل از انقلاب چند رمان و داستان کوتاه منتشر کردند. ولی به راستی شمار زنان داستان نویس تا قبل از انقلاب از شمار انگشتان یک دست تجاوز نمی کرد. در چند سال پس از انقلاب بود که زنان داستان نویس رفته رفته عرصه تولید ادبی را تسخیر کردند و تا به امروز چه در زمینه داستان کوتاه و چه در زمینه رمان بسیار فعال بوده اند. در ده سال گذشته پر فروش ترین رمان ها را در ایران، زنان نوشته اند. از جمله *بامداد خمار* نوشته فتانه حاج سید جوادی که چهل و هفت بار تجدید چاپ شده است.

منیرو روانی پور یکی از نویسندگان نسل جوانتر است که موفقیتش را تقریباً یک شبه با رمان *اهل غرق* (۱۳۶۸) به دست آورد. روانی پور در رمان مثل داستان های کوتاهش، مردم و سنت ها و اعتقادات شان را در روستاهای جنوب ایران مورد کند و کاو قرار می دهد. اهل غرق در واقع داستان روستایی است که او در آنجا متولد شده و بعدها موج پیشرفت ها و مدرنیزاسیون آن را به ویرانه بی بدل می کند. او در رمان های خود با کنار هم قرار دادن واقعیت و خیال داستانی می آفریند که یادآور آثار متعلق به رئالیسم جادویی است. جنبه دیگر کار روانی پور تجربه ورزی جسورانه او با صدای روایی است. این تجربه ورزی هنگامی که با برخورد او با موضوع داستان ها و شخصیت هایش که اغلب طنزآمیز است، مخلوط می شود باعث می شود برخی از خوانندگان نتوانند با آثار او ارتباط برقرار کنند.

"وضع ادبیات ایران در سالهای بعد از انقلاب، به وضع آنتر صادق چوبک شباهت دارد که لوطی اش مرده و در فضایی بیکران رها شده است. پرتیراژترین کتابهای شعر متعلق به شاعران دهه های گذشته، یعنی شاملو، فروغ، سپهری و اخوان است در این عرصه هیچ یک از شاعران بعد از انقلاب تشخیصی ویژه و موقعیتی ممتاز پیدا نمی کنند. در عرصه داستان نویسی اثری در حد بهترین داستان نویسان دهه گذشته نوشته نمی شود و بازماندگان دوره پیشین نیز نمی توانند رکودهای خود را تکرار کنند در چنین فضایی صاحبان قلم دست تمنا به سوی نقد دراز می کنند و از نقد معجز، می طلبند. از نقد خواسته می شود که ادبیات را از

نو تعریف کند. اما در عرصه نقد وضع چندان بهتر صحنه ادبیات نیست. نقد نیز گرفتار آشوب و بحران است. نظریه‌ها و مکاتبی که طی چندین دهه در غرب تکامل یافته‌اند و جای یکدیگر را گرفته‌اند، با هم و یکجا وارد عرصه سخن ادبی ایران می‌شوند از این بسته درهم بعضی تاریخ مصرفشان در غرب گذشته است، و بعضی دیگر مرحله تولید آزمایشگاهی را از سر می‌گذرانند.^۳

"نقد روانشناختی ایران در عمر بیست و دوساله خود راه درازی را پیموده و از "قضاوت صحیح" به پرهیز از ارزشگذاری و داوری دست یافته و از این نظرگاه با جریان بزرگ نقد روانکاوانه در جهان همسو شده است."^۴

^۳ مخیر، عباس، نقد ادبی، نگاه نو، تابستان ۷۷، ش ۳۷

^۴ یاوری، حورا. روانکاو و ادبیات. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۴. ص ۴۴

فصل اول

تاریخچه‌ی داستان نویسی

۱-۱- پیشینه و اهمیت داستان در زندگی انسان

تاریخ تولد داستان و زبان یکی است، چنانکه هیچ قوم و ملت کهنی را نمی‌توان یافت که دارای داستانها و حکایتهای مذهبی، حماسی، اجتماعی و امثال آنها نباشد.

انسانهای اولیه هم علاقه ی خاصی به داستان داشتند چنانکه می‌توان گفت یکی از لذیذترین بخش های زندگی آنان، داستان گویی و داستان شنوی بود، در هر فرصتی گرد هم می‌نشستند و درباره ی خدایان و کارهای روزانه و دیده‌ها و شنیده‌ها و عقاید خود، داستان می‌گفتند. همیشه مادران برای خواباندن کودکان از ابزار قصه استفاده می‌کردند.

یونانیان قدیم، فرزندان خود را از کوچکی به حفظ کردن داستانهایی از *ایلیاد*، *هومر* و *ودیسه* وادار می‌کردند. اشارات افلاطون در *جمهوریت*، دال بر این است که داستان و افسانه‌گویی برای بچه‌ها، در یونان باستان، امری کاملاً عادی و رایج بوده است. مجموعه‌ای از قصه‌های جادوگران که تاریخ آن به حدود چهارهزار سال پیش از میلاد مسیح (ع) می‌رسد، از تمدن مصر باقی مانده است. افسانهٔ سومری *گیلگمش* متعلق به هزار و چهارصد سال پیش از میلاد مسیح است. در چین، نوعی از داستان، از هزار سال قبل از میلاد مسیح، وجود داشته است.^۱

در روزگار گذشته قصه در ایران جایگاه ویژه ای داشت، قصه‌هایی که ظاهراً هیچ هدفی جز سرگرم کردن خواننده نداشت. اما اکنون داستان منثور و به ویژه رمان پدیده نسبتاً جدیدی در تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌آید. در گذشته، نظم همیشه قالب غالب بود به همین دلیل هم داستانهای بلند معمولاً منظوم بودند. تا اواخر قرن سیزدهم شمس‌ی ادبیات منثور بیشتر تواریخ، رساله‌های فلسفی و علمی و مانند آنها را شامل می‌شده است. تعدادی داستان عاشقانه مشهور نوشته شده در عهد صفوی از این قاعده مستثنی بوده‌اند که می‌توان آنها را شکل-های ابتدایی رمان مدرن فارسی به حساب آورد. استثنای دیگری که پیش از قرن بیستم وجود داشته، ژانر سفرنامه است. نویسندگان سفرنامه‌ها معمولاً قدم به عرصه خیال می‌گذاشتند و روایت‌هایی داستان گونه از مردم و مکان‌هایی که دیده بودند ارائه می‌دادند. این ژانر از لحاظ سبک روایی و ساختار، مدلی برای رمان نویسان ایرانی نسل بعد به وجود آورد.

^۱ زین الدینی میمند، زهره، پیشینه، نقش و اهمیت داستان در زندگی انسان، ماهنامه ادبیات داستانی، ش ۱۱۳

نخستین رمان مدرن ایرانی - سیاحت نامه ابراهیم بیگ (۱۲۷۴) نوشته زین العابدین مراغه‌ی است که سفرنامه‌ی داستانی درباره فرد ایرانی اصلی است که در مصر بزرگ شده و به سرزمین اجدادی اش سفر می‌کند. اگرچه مراغه‌ی از قالب و سبک ژانر سفرنامه در قرن سیزدهم استفاده می‌کند ولی در واقع هدف او از نوشتن این رمان، انتقاد سیاسی و اجتماعی بود؛ رویکردی که مورد تایید عده زیادی از روشنفکران اصلاح طلب ایرانی دهه‌های پایانی قرن سیزدهم بود و تا حدی در جنبشی که در سال‌های ۱۲۸۹-۱۲۸۴ به انقلاب مشروطه انجامید، نقش داشت. مراغه‌ی به جای اینکه به شیوه معمول میان اصلاح طلبان آن عصر رساله‌ی جنجال برانگیز بنویسد تا حدودی برای فرار از پیامدهای ناشی از خشم حکومت تصمیم می‌گیرد از داستان برای بیان عقایدش بهره بگیرد.

۱-۲- مشروطه و تحولات فکری دوران جدید

شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و تلاش ناکام عباس میرزا در بازسازی و ایجاد ارتش مدرن، زمینه ساز آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن نوین غرب می‌گردد. عباس میرزا گروهی از محصلان ایرانی را برای فراگیری دانش جدید به اروپا می‌فرستد که تلاشی سودمند بوده است. یکی از آنان، میرزا صالح شیرازی است که چاپخانه را به ایران می‌آورد و نخستین روزنامه با عنوان کاغذ اخبار را پدید می‌آورد.

انقلاب مشروطه تحولی ساختاری و معنایی چشمگیر در ادبیات داستانی ایران به جود آورد تا آنجا که این نوع ادبیات را به قبل و بعد از مشروطیه تقسیم کرده اند. با وقوع انقلاب مشروطه ابتدا رمان تاریخی آغاز شد. رمانهایی که انعکاس دهنده‌ی تزلزل سیاسی و ارمان‌گرایی قشر تجددگرا برای تجدید عظمت و اقتدار ایران بود. این رمانها مقاصد آموزشی و پرورشی، اخلاقی، اجتماعی و ملی داشتند. سپس تحت تاثیر داستان نویسی غرب، به بررسی دنیای درون پرداخت با ترجمه رمانها و داستانهای کوتاه خارجی، قصه‌های سنتی جای خود را به قالب‌های جدید داستان داد. ادبیات از انحصار طبقه اشراف درآمد و به دست عموم مردم رسید، نثر مصنوع و متکلف به نثر ساده و روان تبدیل شد.

«داستان ستارگان فریب خورده از فتحعلی آخوندزاده نخستین داستان ایرانی از یک نویسنده ایرانی بود که به تعبیری سرنوشت اندوهبار مشروطه خواهان و تجددخواهان را بیان می‌کرد و جالب است که فریدون آدمیت هم آخوندزاده را آغازگر فن تئاترنویسی در آسیا می‌خواند... به هر ترتیب، آشنایی با دنیای نو و دگرگونی‌های شگفت

انگیز کشورهای مدرن توجه اندیشمندان و تجددخواهان ایرانی را به خود جلب کرد تا با ترجمه آثار غربی و توجه به اندیشه های نو و انتشار آن از راه های گوناگون مانند کتاب، روزنامه و... فصل تازه یی را در فضای فکری جامعه ایران رقم زنند و راه را بر تسلط اندیشه های کهنه بیندند و این یی تردید کار سترگی بود.^۲

وقوع انقلاب مشروطه مصادف است به ظهور تدریجی ادبیات داستانی نوین در ایران. چندین واقعه تاریخی و اجتماعی برجسته بالاخص در زمینه ، آموزش و روزنامه نگاری ، تأثیری مستقیم بر توسعه ی این نوع از ادبیات جدید و اساسا وارداتی داشت. اختراع ماشین چاپ در دهه دوم قرن ۱۹ میلادی، تاسیس دار الفنون در سال ۱۸۵۱م در تهران، ارایه افکار نوین آموزشی از سوی ایرانیان و اروپاییان، افزایش تدریجی تعداد دانش آموزان اعزامی به فرنگ، همراه با آن افزایش یکباره ی تعداد مترجمان ، چه علمی چه ادبی، و شاید مهمتر از همه افزایش تعداد و گستره ی روزنامه ها ، همه و همه تأثیری مستقیم بر رشد ادبیات داستانی ، تأثیرات آن و ایجاد مفاهیم جدید در خوانندگان و نویسندگان ، و بویژه سبک و موضوع مضامین موجود در آن داشت.

در کنار این وقایع برجسته و تا حدودی به خاطر آنها ، تغییراتی نامشهود اما نه چندان کم اهمیت در نگرش افراد به خود و به جهان پیرامون خود وجود داشت ، که از یک سو، نشانگر رشد کلام ابداعی درون گرا در قصه و از سوی دیگر توصیفی دقیق ، زنده و واقع گرا از زندگی روزمره بود . این جهت گیری های نو که مبشر آگاهی های نو بود در اغلب آثار منثور ، چه کتب تاریخی و چه سفرنامه ها ، قابل شناسایی می باشد.

در حقیقت ، سرچشمه های داستان نویسی نوین فارسی معمولا از مورخان اهل ادب آغاز شده و به شماری از سیاست مداران و فعالان سیاسی قرن نوزدهم میلادی منتهی می شود که اهداف اصلی آنها خلق آثار ادبی نبوده بلکه ، تغییر وضعیت خطیر مملکت از طریق بکار گیری قلمی تند و شیوا ، و به اندازه ی کافی انعطاف پذیر ، به منظور نشر و گسترش افکار و آرای اصلاح طلبانه و مرام نو ظهور تجدد طلبی، تا جای ممکن بوده است.^۲

شعر فارسی با سابقه یی طولانی که به بیش از هزار سال می رسید، به عبارتی مقدس جلوه می نمود ولی داستان نویسی یا نمایشنامه نویسی که برگرفته از ادبیات غرب و متأثر از ترجمه آثار غربی بود جای خود را آسان تر باز کرد، شاید به این خاطر که از پیشینه یی درازمدت برخوردار نبود و اتفاقی تازه به حساب می آمد. دوره بازگشت

^۲ صادقی، محمد ، خبرگزاری فارس ، www.farsnews.ir شنبه ۲۰ مهر ۱۳۸۷

^۲ ادبیات داستانی در ایران زمین ، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، ج ۲ ، ترجمه پیمان متین ، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم ، ص ۵۲

ادبی هم به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی کاریکاتوری از قله های فرهنگ، اندیشه و ادب قرون پنجم و ششم ارائه می کرد و همین عبارت کافی است تا آن دوره را بشناسیم. شعر مشروطه مفاهیم جدیدی مانند وطن و آزادی و ... را دربر داشت که معنای آن متعلق به دوران جدید بود و در دنیای قدیم و جهان سنت چندان اثری از این مفاهیم نمی توان سراغ گرفت. شعری با درونمایه سیاسی و اجتماعی و شعری انتقادی که به زبان مردم نزدیک بود، شعر شاعران دوره مشروطه به زبان کوچه گرایش داشت و البته همین موجب می شد از زبان فاخر ادبی گذشتگان فاصله بگیرد. بنابراین سخن ویتگنشتاین که می گوید محدوده زبان من، محدوده جهان من است، زبان جدا از ذهن نیست، زبان تکراری حکایت از جهان بینی تکراری دارد، پس نمی تواند تجربه انسان معاصر را بیان کند و تصویر کند و اینجاست که نیاز به زبانی دیگر احساس می شود و تلاش برای دست یافتن به آن در همین دوره آغاز می شود، دوره ای که نسیم تجدد در ایران وزیدن گرفته است.

" ادبیات داستانی قبل از مشروطیت، درست مثل معشوق و محبوب شاعران پیش از مشروطیت، همگی - هم از نظر قیافه و شکل شمایل ظاهری و هم از نظر ویژگی های شخصیتی و روانی - تیپیک و یک دست و یکنواخت بودند، یعنی همچنان که در شعر، شاعر غزلسرا چه مجرد بود چه متأهل، چه زن جوان و زیبا داشت چه زن سالخورده و زشت، چه زن باسواد داشت چه زن بی سواد، همیشه - یکنواخت - از روی زیبا، اندام بلند، چشم سیاه، گیسوی دراز و نیز از بی مهری و جفا و سفر رفتن او سخن می گفت، در داستان نوین هم مرد و زن و ارباب و نوکر هم تیپیک ترسیم می شدند."^۴

یکی از پرسش هایی نیز که از زمان مشروطه تاکنون باقی مانده و نباید از آن غفلت کرد، نسبت میان ادبیات و روشنفکری است که با توجه به آلودگی زبان و ادبیات فارسی به ابهام و ابهام و اینکه می دانیم زبان روشنفکری باید به دور از ابهام و پیچیده گویی باشد، اندیشیدن درباره آن ضروری به نظر می آید.

نه تنها جنبش مشروطه ادبیات ایران را متحول کرد، بلکه ادبیات نیز به موازات و در کنار همان تحولاتی که به جنبش مشروطه منجر شد، سیر تکامل و تحول خود را می پیمود. نگارش فارسی برای باززایی خود ناچار بود نخست به هزار سال پیش بازگردد، تا گرد تصنع و انحطاط ادبی مغولی و صفوی را از خود بزدايد و سپس راه انطباق

^۴ آمین، سید محمد، ادبیات معاصر ایران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۸۶

خود را با جهان مدرن در پیش گیرد. باری مکاتبات غالباً اداری میرزا تقی خان امیرکبیر و دیگر آثار عصر ناصری نشانگر همین پیرایش و ساده نویسی فزاینده اند. به عنوان نمونه بی بسیار مفصل و خوب از نگارش اداری- ادبی پیراسته، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه مقدم قابل ذکر است. از دیگر آثار ادبی آن دوره کتاب حاجی بابای اصفهانی اثر کلاسیک جیمز موریه و ترجمه فارسی آن به وسیله میرزا حبیب اصفهانی است که به نوبه خود یک شاهکار ادبی جدید زبان فارسی تلقی می شود. نوشته های میرزا ملکم خان و آخوند زاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار موثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تاثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است.